برخورد دولت شوراها به مسئله زن

با وقوع انقلاب اکتبر در روسیه و قدرت گیری دولت شوراها گام های‌اساسی درزمینه تحقق حقوق برابر زن و مرد وتلاش جهت رسیدن به برابری واقعی برداشته شد . اقداماتی که در دستورکارشوراها قرارگرفت بردودسته تقسیم می شوند: اقدامات فوری واقداماتی که نیازمند برنامه های دراز مدت بودند.
دولت شوراها در اولین گام، برابری زن و مرد درقوانین رابه مورد اجراگذاشت. تبعیض برپایه جنسیت درقوانین ملغی شد. قوانین خانواده، طلاق، ازدواج واشتغال، حقوق برابر زن ومرد را تامین نمود و بدین وسیله بند تبعیض قانونی از دست و پای زن گسسته شد . یکی از این موارد قانون طلاق بود. قانون طلاق مصوب ۱۸دسامبر۱۹۱۷ تحول بزرگی محسوب میشد، چرا که درروسیه تزاری حق طلاق عملا از آن ثروتمندان بود . چنانچه زن کارگری تصمیم به طلاق‌داشت درگیربورکراسی عریض و طویلی میگردید. او می‌بایست به جمع آوری امضاء و تهیه استشهاد محلی می پرداخت تا تقاضای طلاق نماید . انجام این امر ماه ها و بعضا سالها به درازا میکشید. اما پس ازانقلاب اکتبر قانون طلاق جدید با در نظر گرفتن حق برابری زن، پروسه طلاق را به یک هفته تقلیل داد. (۱) مرخصی دوران بارداری وزایمان در قانون منظور شد و ممنوعیت کار زنان در رشته هائی که برای‌سلامت آنها وفرزندانشان مضر است، ممنوع گردید.
علاوه بر رفع تبعیض حقوقی ، دولت شوراها اقدامات دیگری را آغاز نمود . از جمله ظرف مدت کوتاهی به‌ایجاد و گسترش مراکزبهداشتی و درمانی برای زنان پرداخت وبه احداث مهد کودک و کودکستان ها اقدام نمود. با گذشت ۴ سال پس از انقلاب اکتبر تعداد مهد کودکها به ۲۰ هزارافزایش یافت. این درحالی بود که در سال ۱۹۱۳ تنها ۱۹ مرکز نگهداری از کودکان و ۲۵ کودکستان خصوصی وجود داشت. درهمین فاصله، ۷ هزارمرکز بهداشتی و درمانی برای زنان و کودکان احداث شد که نیمی از آن درمناطق روستائی بودند. (۲) کاردرمیان زنان کارگر یکی دیگر ازجنبه هائی بود که بلافاصله پس از انقلاب اکتبر مورد توجه کادرها واعضاء حزب قرارگرفت. درسال ۱۹۱۸ نشریه Rabotnitsa (زن کارگر با هدف سازماندهی و جذب زنان کارگر منتشر شد. در این نشریه زنان کارگر مشکلات خود درمحیط کار، نارسائی های قانونی ، بیکاری را بازگو می‌کردند. تیراژ این نشریه ظرف ۹ سال به ۱۵۰ هزار نسخه افزایش یافت. (۳) بهررو مجموعه اقداماتی‌که‌دولت شوراها پس از روی کارآمدن به فوریت به‌انجام رساند، فراتر از کلیه دست آوردهائی بود که زنان درجوامع سرمایه داری به دنبال مبارزات خود به آنها دست یافته بودند . گام بعدی دولت شوراها برنامه ریزی‌اقدامات‌بلند مدتی‌بودکه زمینه‌مشارکت

اجتماعی زن‌را مهیاسازد. این امری به‌غایت پیچیده ، دشوار و پرخرج بود. دولت شوراها با کوهی از مشکلاتی روبرو بود که از جامعه طبقاتی به ارث‌رسیده بود. اساس‌این معضلات در نقش سنتی بود که طی تاریخ به زن در خانواده داده شده بود. برای جذب زنان به کار اجتماعی، ضروری بود که قید وبند کارکسالت آور و غیر مفید خانگی از دست و پای زن گسسته شود. امر نگهداری از فرزندان، شست وشو وآشپزی که سنتا به زن واگذارشده بود، به جامعه واگذار شود تا زن فارغ از این امور به کارتولیدی اجتماعی بپردازد. به‌لحاظ نظری کادرهای حزب از جمله لنین، کولنتای، اینسای آرماند و سمیرنوف از ایده اجتماعی کردن کار خانگی‌دفاع کرده بودند. درسال ۱۹۱۹ اجتماعی کردن کارخانگی در قوانین گنجانیده می شود. ازملزومات این قانون این بود که مراکز عمومی نگهداری کودک و رختشوی خانه های عمومی براه انداخته شوند تا زن از چهاردیواری خانه رها و به اجتماع کشانده شود.
تحقق این ایده درعمل با مشکلات متعددی توام بود که مهم ترین آن معضل اقتصادی بود. گذشت زمان نیز بر ابعاد مشکل اقتصادی می افزود . این امر هنگامی که سیاست نوین اقتصادی (نپ) به مورد اجرا در آمد، تاثیرات خود را برپیشبرد اجتماعی کردن کارسنتا زنانه در خانه گذارد. از جمله دیگر موانع تحقق این ایده، مسئله بینشی در میان برخی از اعضاء و کادرهای حزب بود که اساسا اجتماعی کردن کار خانگی را نادرست می‌دانستند وحل مسئله را به چارچوب خانواده محدود می کردند. این عده معتقد بودند که زن و شوهر باید در چار چوب خانواده به تقسیم وظائف بپردازند وآن را به دوش جامعه نیاندازند . در نوشته ها و مقالات کولنتای بکرات به این دیدگاه ها اشاره می شود . بطور مثال در کتاب کمونیسم و خانواده ، او به انتقاد از آن دسته از اعضای حزب می پردازد که از " مساوات کار بین زن و شوهر در خانواده " دفاع می کنند . انتقاد دیگری که به ایده اجتماعی کردن کار خانگی وارد می شد، حفظ نقش سنتی زن در انجام کارهای سنتا زنانه بود . از جمله طرح ها و پیشنهادات درزمینه اجتماعی کردن کار خانگی عبارت بود از، درگیر نمودن زنان در مراکز عمومی رختشوئی، آشپزخانه ومراکز نگهداری کودکان. انتقادی که بر این نظر وارد بود ، نگهداشتن زن در زمینه هائی بود که همواره اسیر آن بوده اند. در پاسخ به این انتقاد ، کولنتای وکروپسکایا و اینسا آرماند، اولویت را به مشارکت اجتماعی زن میدهند و نه رشته‌ای که درآن مشغول بکارند. به اعتقاد آنها مهمتر این‌است که زن‌ابتدا به‌کاراجتماعی‌جلب شود تا از محدوده تنگ‌فردی و خانواده خود رها شود. آنهااز پروسه بطئی و آرام جذب زنان‌به فعالیت‌اجتماعی‌دفاع میکردند. به طورمثال سمیرنوف باتحقیق درباره مشارکت دختران در سازمان‌جوانان کمونیست‌نشان میدهد که روند طبیعی‌ترآن‌است که زنان نخست به کار جمعی روی می آورند و پس ازآن جهت گیری از رشته های سنتا زنانه به سوی رشته های

صنعتی‌صورت میگیرد. طبق تحقیقات سمیر_ نوف ، اعضاء دختر کمسومول عمدتا در رشته های سنتا زنانه خیاطی، بهداشتی، آشپزی و هنرهای دراماتیک‌علاقه وتمایل‌نشان‌میدادند.
ازطرف دیگرتا آنجاکه‌امکانات‌مالی‌وحرفه‌ای دولت شوراها اجازه یداد مراکز عمومی براه افتاد. در سال ۱۹۲۳، ۹۰٪ د پرسنل این مراکز زنان بودند.(۴) وجود این‌مراکز موجب شد عده کثیری از زنان‌فارغ‌از مشکلات نگه _ داری فرزند وکار روزمره به اشتغال بپردازند. اما به موازات گسترش معضلات‌اقتصادی از تعداد این مراکزکاسته شد. نشریه"زن کارگر" درسال ۱۹۲۳ درمقاله‌ای از تاثیرات منفی "نپ" بر وضعیت زنان چنین می نویسد: " با محدود شدن تعداد مراکز عمومی، زنان روز بروز به لحاظ اقتصادی بیشتربه مردان وابسته میشوند. زنان ازاولین قربانیان این سیاست‌اند". (۵) در نتیجه این محدودیتها طی‌سالهای ۲۹ _ ۱۹۲۸ ظرفیت مراکز نگهداری کودکان به ۱۹۴۳۸۶ کاهش یافت.(۶) بدین ترتیب اقدامات بلند مدتی که دولت شوراها به منظور تحقق برابری واقعی زن و مرد پیشاروی خود گذارده بود ، در مواجهه با معضلات اقتصادی و سیاسی امکان پیشروی نیافت . در این دوره حتی لایحه و پیشنهادات اصلاحات قانونی نیز از دستور کار خارج میشد.
بهررو آنچه مسلم است این که اقداماتی که در سالهای اولیه انقلاب اکتبر در زمینه برابری حقوقی زنان صورت گرفت، دستاوردهای گران بهائی به همراه داشت . اما وجود معضلات اقتصادی، جنگ داخلی، کم بهاء دادن به تداوم اقدامات اساسی جهت رفع هرگونه تبعیض از دامنه تغییرات کاست و روند آن را مختل نمود.

زیر نویس ها:

۱_کمونیسم وخانواده _الکساندراکولنتای
۲_ زندگی و آثار کولنتای _ الکس هالت
، ۴ ، ۵ و۶_ جنبش کارگری وزنان _ مالیم، هالت، هیلتین.

برگزیده از کار ۳۳۵ اسفند ۱۳۷۷